



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

د مولانا سعید افغانی د سولې او تفاهم، نشراتی ارگان

www.said-afghani.org

آزاده، ټولنیزه، علمی، فرهنگی و نشراتی ارگان



Dr.Said Afghani

د مولانا سعید افغانی : آزاده ، ټولنیزه ، علمی ، فرهنگی او نشراتی ارگان ته ښه راغلاست !

مولانا داکتر محمد سعید « سعید افغانی »

تاریخ نشر: اول نوامبر 2022 میلادی

شیوه عرفان خواجه عبدالله « انصاری » پخش دوم

۲- آداب پوشیدن خرقة :

شیخ الاسلام در آداب پوشیدن خرقة گفته است : هر کس که برای اولین بار می خواهد خرقة بپوشد، باید به دست مرشدی باشد که با او در شریعت و طریقت موافق باشد ، یعنی عالم به اصول شریعت و دانا به آداب طریقت و واقف بر اسرار حقیقت باشد.

به قسمی که اگر برای مرید در شریعت مشکلی پیش آید ، او با علم خود توان حل آن را داشته باشد . اگر در طریقت او واقعه ای رخ دهد ، وی با معرفت خود توانایی توضیح آن را داشته باشد . اگر در نزد او در مورد حقیقت سرّی یافت شود ، وی با بصیرت خود توانایی کشف آن سر را داشته باشد .

سپس شیخ الاسلام گفته است:

مرید نباید خرقة را از دست اولاد مرشدین که توسط پدرانشان به عرفان و تصوف شهرت پیدا کرده اند بپوشد ؛ از آن جهت که آنها در نزد مردم و پادشاهان و ابناء دنیا اعتبار دارند و از آن جهت که شهرت و مریدان و بستگان زیاد دارند و سلاطین احترامشان می کنند .

این نوع مردم لیاقت ندارند مرشد اهل معرفت باشند ؛ زیرا از صحبت شان جز فساد چیز دیگری دستگیر نمی شود . « بلی ، ولایت با میراث نیست، و اولیاء الله تعالی ، شهرت و اعتبار نزد امرا و ثروتمندان را دوست ندارند . »

و نیز گفته است : لازم است مرشد پایبند به سنت باشد ، زیرا بدعت گذار بر کسی ولایت ندارد . اگر بدعت گذاری را دیدی که عمل خارق عادت از او سرزد ، باید از او حذر کنی و فریبش را

نخوری، چون آن خوارق عادت‌ی که از او صادر شده است، دامها و حیله شیطان است؛ برای اینکه شیطان دامها و حیله‌هایی دارد و می‌خواهد مردم را توسط اهل بدعت گمراه نماید. بر صاحبان بصیرت لازم است خود را از دامها و حیله‌های او حفظ کنند. بزرگترین چیزی که عامه مردم را گول می‌زند، زهد و نماز اهل بدعت است، زیرا او زهد می‌فروشد و عبادت می‌کند تا مردم به او فریفته شوند و از او پیروی نمایند.

اهل بدعت خود را با جامه محبت به مردم نزدیک می‌نمایند، تا به تاراج در دل‌های مردم بذر بدعت را بیفشانند، تا آنان را از طریق سنت «وصراط مستقیم» منحرف سازند. اگر به نظر دقیق بنگری، در عاقبت کارهای آنان کفر و ضلالت را می‌بینی. از صحبت اهل بدعت پناه به خدا می‌برم.

پس سزاوار است که مرید خرقة را از دست مرشد پایبند به سنت و عالم به شریعت و طریقت و حقیقت دربر نماید.

انگاه گفته است: کسی که خرقة ای را می‌پوشد، لازم است که سختیهای طریقت را تحمل کند و به ریاضت و مجاهدت صبر نماید و از عزم و اراده ای که در تصوف و عرفان کرده است برنگردد، چون مرتد از طریقت، زشت تر است از مرتد از شریعت، تا آن جای که صوفی‌ها گفته اند: **طلب مال بعد از زوال محال است.**

انگاه تفصیلات دیگری را در انواع پوشیدن خرقة و لباس پینه ذکر کرده است. از ضمن تفصیلات او ظاهر می‌شود که کلمه «تصوف» از صوف گرفته شده است و آن که اول کسانی که لباس پشمینه پوشیدند، حضرت آدم «ع» و حوا بودند. و گفته شده است که حضرت موسی «ع» نیز لباس پشمینه می‌پوشید، و آن که لباس پشمی بهترین لباس است.

از آنچه شیخ الاسلام و عرفای دیگر در مورد پوشیدن خرقة و جامه پینه پینه گفته اند، آشکار می‌گردد که هیچ باعث و انگیزه ای برای پوشیدن خرقة نیست، جز آن که باید غرور نفس شکسته شود و برای آن که انسان از لباس صلحا حیا کند و اعمال خلاف شریعت را مرتکب نشود و برای انجام نیکوترین عبادات و معاملات بپاخیزد و حیات خود را در راه خدای تعالی وقف نماید، تا رسالت زندگی اش به بهترین وجه کامل گردد، و رنه تنها پوشیدن خرقة و جامه پینه دار در دین اسلام ضروری نیست و تکلیف به پوشیدن آن در کتاب و سنت نیامد است.

بلی، برای آن معنایی می‌توان یافت، و آن که حضرت محمد «ص» و اصحاب او، لباس پینه زده را می‌پوشیدند برای آن که به مردم بیاموزند که لباسها ایشان را تا زمانی که قابل استفاده است نباید ضایع نمایند و خود را برای به دست آوردن لباس گران قیمت به زحمت بیندازند؛ چنانچه این کارشان اساس فلسفه خود کفایی و دوری از اسراف و تبذیر است.

لباس پینه دار آنها، مانند لباس پینه داری که صوفی‌ها در بر می‌کنند نیست، که لباس خود را با صدها پاره می‌دوزند و این چنین از امور احکام دین نیست؛ چون به خوبی ثابت شده که دین برای اسانی آمده است، نه برای دشواری.

پس خوب‌ترین توجیه در پوشیدن خرقة این است که این کار در اوایل عادت‌ی بود از عادات، و تقلیدی بود از تقلید در لباس صلحا و متقین، چنانچه راهبان مسیحی پدران‌شان را در کارهای تقلیدی‌شان تقلید می‌کردند.

لیک در مرور زمان تغییراتی به وجود آمد ، تا زمانی که ما در آن زندگی می کنیم که شکل لباس صلحا از خرقه و لباس پینه دار قدیمی بارنگ و کمیت و کیفیت آن ، به لباس شیوخ و علما یا عمامه وردا تغییر یافت . و سزاوار است در حق علما و صلحا بگویم که لازمه پوشیدن لباس شیوخ و اهل علم، این است که باطن آنها مانند ظاهرشان باشد ، یعنی علمی که مردم را در فتنه قرار دهد نباشد ، چون اکثر مردم خطا های اهل دین را به نفس دین نسبت می دهند.

سپس شیخ الاسلام به تحلیلات و ارشادات پرداخته و گفته است که کلمه « صوف » مرکب از سه حرف است : « ص » ، « و » و « ف » .

- « ص » اشاره است به صدق ، صفا ، صلابت ، صبر ، صلاح .
- « و » اشاره است به وفا ، وصلت ، وجد .
- « ف » اشاره است به فرج و فرح .

و کلمه « مرتع » مرکب است از چهار حرف « م » ، « ر » ، « ق » و « ع » .

- « م » اشاره است به معرفت ، محبت ، مذلت .
- « ر » اشاره است به رأفت ، رحمت ، ریاضت ، راحت .
- « ق » اشاره است به قناعت ، قربت و قوه حال و قول صدق .
- « ع » اشاره دارد به علم ، عشق ، علو همت و عهد نیکو .

انگاه بعضی اصطلاحات صوفیه را بیان داشته و در این باب گفته است : مقصود از قول صوفی ها که گویند « خرق الخرقه » (خرقه پاره شده) این است که هر چه از اغیار است بریده شدند . و مطلوب از قول ایشان که گویند . « لاحظ نصیبه » (نصیب او را ملاحظه کن) این است که عیب برارد خود ننگر .

انگاه شیخ الاسلام در آخر آداب پوشیدن خرقه گفته است : برای عارف رعایت این آداب لازم است ؛ یعنی آنچه را به ظاهر خود را می آریند ، تا راست کردار باشند نه دروغ کردار ؛ موافق باشند نه منافق و ریاکار ؛ محقق باشند نه مدعی .

پایان بخش دوم

داکتر محمد سعید « سعید افغانی »
پوهنتون الازهر شریف - قاهره
سال ۱۹۶۸ میلادی ، مطابق ۱۳۴۷ هجری شمسی

تهیه و ترتیب کننده : برهان الدین « سعیدی »

www.said-afghani.org - بازگشت به صفحه اصلی